



انجمن علمی فقه برای تطبیق ایران



فصلنامه فقه برای تطبیق

Volume 3, Issue 2, 2023

The Impact and Role of Criminal Principles and Rules in Preventing Economic Crime

Amin Amani Babadi^{1*}, Farid Farhmand²

1. Assistant Professor, Department of Law and Social Sciences, Payam Noor University, Tehran, Iran. (Corresponding Author)

2. Assistant Professor, Department of Law and Social Sciences, Payam Noor University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article: Original Research

Pages: 175-188

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0000-00000-00000

TELL: +989121811462

Email: amin.amani.b@pnu.ac.ir

Article history:

Received: 08 Feb 2023

Revised: 15 Apr 2023

Accepted: 28 May 2023

Published online: 22 Jun 2023

Keywords:

Criminal Principles and Rules,
Crime, Economic Crime,
Prevention.

ABSTRACT

Economic crimes have targeted the stability and security of societies in various dimensions, the traditions and principles of democracy, moral values and justice, sustainable development and the rule of law. The full application of criminal principles and rules and procedural rules in the judicial process related to economic crimes will reduce the occurrence of this type of crimes. The purpose of the research is ultimately to reduce the commission of economic crimes and during it to reach the basic mechanisms to reduce the incidence of said crimes. Descriptive research method and analysis of concepts and legal components related to economic crime has been done in line with the purpose of the article. Considering this important issue that it is not possible to reduce economic crimes only with repressive measures, the article reached this achievement and concluded that among the criminal principles and rules, the principle of public proceedings and the independence of the judge have been mentioned as the most important and effective principles in dealing with economic criminals and at the same time preventing new crimes. Economic crime, has a collaborative nature, which an institution cannot do alone, it requires the participation of all its elements.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2023 The Authors.

How to Cite This Article: Amani Babadi, A & Farhmand, F (2023). "The Impact and Role of Criminal Principles and Rules in Preventing Economic Crime". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 3(2): 175-188.



انجمن علمی فقه برای تطبیقی ایران

فصلنامه فقه جزای تطبیقی

www.jccj.ir



فصلنامه فقه برای تطبیقی

دوره سوم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۲

تأثیر و نقش اصول و قواعد جزایی در پیشگیری از ارتکاب جرم اقتصادی

امین امانی بابادی^{۱*}، فرید فرهمند^۲

۱. استادیار، گروه حقوق و علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. (نویسنده مسؤول)

۲. استادیار، گروه حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

چکیده

جرایم اقتصادی، ثبات و امنیت جوامع در ابعاد مختلف، سنت‌ها و اصول دموکراسی، ارزش‌های اخلاقی و عدالت، توسعه پایدار و حاکمیت قانون را هدف گرفته است. به‌کارگیری کامل اصول و قواعد جزایی و آیین دادرسی در فرایند قضایی مربوط به جرایم اقتصادی، موجب کاهش بروز ارتکاب این نوع از جرایم می‌شود. هدف از پژوهش صورت گرفته، به‌صورت غایی، کاهش ارتکاب جرایم اقتصادی و در طول آن رسیدن به سازوکارهای اساسی در جهت کاهش بروز جرایم مذکور است. روش پژوهش توصیفی و به تحلیل مفاهیم و مؤلفه‌های حقوقی مرتبط با جرم اقتصادی در راستای هدف مقاله اقدام شده است. با درنظرداشت این موضوع مهم که تنها با اقدامات سرکوب‌گرایانه نمی‌توان به کاهش جرایم اقتصادی رسید. مقاله به این دستاورد و نتیجه رسید که از میان اصول و قواعد جزایی، اصل علنی‌بودن رسیدگی و استقلال قاضی از مهم‌ترین و کارآمدترین اصول در برخورد با مجرمان اقتصادی و در عین حال پیشگیری از بروز جرم اشاره شده است. همچنین باید اشاره کرد موضوع پیشگیری از جرم به‌ویژه در جرم اقتصادی، ماهیت مشارکتی دارد که یک نهاد به تنهایی قادر به انجام آن نیست، اراده‌ای در حد و اندازه یک جامعه پویا و مشارکت همه ارکان آن لازم است.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۷۵-۱۸۸

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید:

تلفن: +۹۸۹۱۲۱۸۱۱۴۶۲

ایمیل: amin.amani.b@pnu.ac.ir

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۱۹

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۲/۰۱/۲۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۰۷

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۴/۰۱

واژگان کلیدی:

اصول و قواعد جزایی، جرم، جرم اقتصادی، پیشگیری.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی پژوهش حاضر به‌صورت غیر تجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده است.

مقدمه

شدیدترین پیامد منفی جرم، ایجاد تزلزل در روابط و اعتماد بین شهروندان و حکومت است. رشد فزاینده جرایم به‌ویژه جرایم مربوط به اقتصادی و مالی، شاخص‌های مختلف سرمایه اجتماعی، آهنگ تضمین امنیت و حقوق و آزادی‌های شهروندان را تضعیف می‌کند. در یک نگرش عمومی مردم اغلب افزایش جرم را نشانه‌ای بر این می‌دانند که برخی حمایت‌های قانونی از مرتکبین، گسترش پیدا کرده است. این مسأله درخصوص جرم اقتصادی بسیار بیشتر ظهور دارد.

میان گونه و میزان جرایم اقتصادی، از یک سو و نظام سیاسی و اقتصادی حاکم، از سوی دیگر، رابطه مستقیم وجود دارد. درحقیقت جرایم اقتصادی ارتباط تنگاتنگ با قدرت سیاسی حاکم و نوع آن دارد، چنانکه اشکال بزهکاری مرتبط با چرخه‌های مختلف نظام اقتصادی (تولید، توزیع، حمل و نقل و ...) و فضای کسب و کار براساس نوع نظام سیاسی - اقتصادی حاکم تغییر پیدا می‌کند. در کشورهایی که درآمد آن‌ها بر مالیات مبتنی است، مانند سوئد از جرایم مالیاتی و در ایتالیا از جرم سازمان‌یافته اقتصادی صحبت می‌شود. وجه مشترک همه این عناوین، جنبه اقتصادی جرم است.

ضرورت و اهمیت پژوهش درخصوص جرایم اقتصادی از اینجا مشخص می‌شود که با ارتکاب جرم اقتصادی به‌دلیل از دست‌رفتن منابع، تجمیع سرمایه و تمرکز آن بر جای درست و روا صورت نمی‌گیرد، درنتیجه بستر شروع به کار جوانان و شهروندان زن و مرد با تولید و ایجاد واحدهای متنوع و گسترده خدمات فراهم نمی‌شود که موجب زمینه تضییع متقاضیان کار می‌گردد. حق بر آموزش از اصول پایه و بنیادی هر جامعه پیشرفته با ارتکاب و تشدید جرم اقتصادی در هر سطح و گستره‌ای زمینه خروج سرمایه از اختیار دولت و اختصاص بودجه برای آموزش فراهم می‌شود.

این‌که اصول و قواعد جزایی تا چه اندازه و کیفیتی در پیشگیری از ارتکاب جرایم اقتصادی نقش دارند، پرسش پژوهش است و فرض گردید درصورت به‌کارگیری کامل اصول و قواعد جزایی در فرایند دادرسی مربوط به جرم اشاره

شده، تا حد و اندازه زیادی می‌توان از ارتکاب جرایم اقتصادی جلوگیری نمود.

از پیشینه‌های مربوط و قابل اشاره به موضوع می‌توان به عیسی بنی نعیمه و اکبر روایی (۱۳۹۷) جستاری بر راهبردهای کنترل کیفی جرایم حوزه کسب و کار، مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، شماره دوم؛ ایمان حطمی و همکاران (۱۳۹۸) تحلیل علل جرایم اقتصادی ایران در پرتو نظریه‌های جرم‌شناسی اقتصادی، فصلنامه مطالعات راهبردی ناجا، سال چهارم، شماره یازدهم؛ یزدان نقدی، سهیلا کاغذیان و مریم لشکری‌زاده (۱۳۹۹) مقایسه اثرات تورم و بیکاری بر امنیت اجتماعی در ایران، پژوهش‌نامه نظم و امنیت انتظامی، سال سیزدهم، شماره سوم؛ ابوالفضل شاه‌آبادی و فاطمه حیدرخانی (۱۳۹۹) تأثیر مؤلفه‌های اقتصاد دانش‌بنیان بر شاخص فلاکت در کشورهای منتخب، برنامه‌ریزی و بودجه، سال بیست‌وپنجم، شماره سوم اشاره کنیم.

البته باید اشاره کنیم تفاوت محسوس و مهم پژوهش حاضر با سایر پژوهش‌های مرتبط با جرایم اقتصادی در تأکید این مقاله بر اصول و قواعد جزایی و لزوم اعمال کامل آن در فرایند دادرسی قضایی است. لازم به ذکر است چهارچوب نظری این پژوهش از میان نظریه‌های مختلف و کاربردی چون جرایم اقتصادی و نظریه محیط، فشار، خنثی‌سازی، پسران بزهکار، نابرابری هدف‌ها و وسیله، کنترل شخصی، شخصیت جنایی، فرصت‌های افتراقی، نظریه انتخاب عقلانی است که با عاقل‌دانستن مجرم و از طرفی اعمال اصول و قواعد جزایی و مجازات مرتکب، باعث تأثیر بر فرد یا مجموعه مجرمان خواهد شد و درنتیجه کاهش جرایم اقتصادی رقم می‌خورد.

۱- جرم اقتصادی

جرایم اقتصادی ماهیت پیچیده‌ای دارند و به‌دلیل این‌که این جرایم از عوامل متعددی چون عوامل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی متأثر می‌شوند، ارائه تعریفی جامع و تعیین ضابطه‌ای خاص برای این جرایم همواره از مباحث مشکل علم جرم‌شناسی بوده است. ارتباط و نزدیکی جرم اقتصادی با فساد مالی، فساد اقتصادی، جرم تجاری یا بازرگانی و ...

(دادخدایی، ۱۳۹۳: ۶۲). جرایم اقتصادی باعث اخلال در نظام اقتصادی می‌گردد (ساک، ۱۳۸۹: ۲۵). در رابطه با جرم اقتصادی به واقع تعریف جامع و مشخصی وجود ندارد. می‌توان گفت جرم اقتصادی در زمره جرایمی است که در شکل‌های مختلف مانند پولشویی، اخلال در نظام ارزی نمایان می‌شود و نه تنها نظام اقتصادی، بلکه تمام اجتماع را با مشکل مواجه می‌کند. جرایم اقتصادی، ضمن ایراد لطمه به اعتماد عمومی نسبت به دولت و حاکمیت موجب برهم‌خوردن تعادل در توزیع درآمدها و ایجاد فاصله‌ای چشم‌گیر میان طبقات فقیر و غنی جامعه می‌شود. گسترش جرایم اقتصادی به یکی از معضلات بسیار بزرگ در کشور تبدیل شده است، در نتیجه اهمیت برخورد با جرایم اقتصادی بیش از پیش نمایان است (میرسعیدی و زمانی، ۱۳۹۲: ۱۶۵).

جرایم اقتصادی، تبدیل به پدیده‌ای پیچیده و خطرناک شده است که مبارزه علیه آن، مستلزم تبیین سازوکارهای ویژه و کارآمد می‌باشد. تبعاً سازوکارهای مورد نظر می‌بایست دو عرصه کلان «مقابله» و «پیشگیری» را دربر گیرند (زراعت، ۱۳۹۹: ۲۱۲).

رفتار مجرمانه در جرایمی مانند اختلاس تفاوتی آشکار با رفتار مجرمانه در کلاهبرداری، ارتشاء، پولشویی و جرایم ارزی - مالی دارد. هرکدام از این جرایم که به‌عنوان مصداق جرایم اقتصادی محسوب می‌شود، به‌گونه‌ای متفاوت و با رفتار منحصر به فرد خود ارتکاب می‌یابد. برای نمونه، در جرم اختلاس، فردی که کارمند دولت محسوب می‌شود، در هر پست و مقامی با استفاده از قدرت خود و عمدتاً به‌صورت سازمان‌یافته مرتکب جرم می‌شود. نوع رفتار وی در این‌گونه از جرایم به‌صورت خشونت‌آمیز انجام نشده است، ولی در جرمی مانند ارتشاء رفتار به کلی متفاوت است. شخص مجرم در جرم ارتشاء ممکن است کارمند دولت نباشد و به‌صورت سازمان‌یافته نیز اقدام به انجام چنین جرمی نکرده باشد. از طرف دیگر، جرم ارتشاء زمانی صورت می‌گیرد که شخص می‌خواهد با نادیده گرفتن قانون، برای مثال در مزایده، مناقصه یا موضوعی که منفعت مالی برای وی دارد، برنده شود. این در حالی است که در اختلاس، مجرم به‌دنبال رسیدن به

به‌گونه‌ای است که در برخی موارد هم‌پوشانی داشته باشند. در مقایسه فساد مالی با جرم اقتصادی می‌توان گفت که فساد مالی، با سوءاستفاده از قدرت تفویض‌شده در جهت منافع شخص، اعم از این‌که در بخش خصوصی باشد یا دولتی صورت می‌گیرد که در آن ویژگی مرتکب جرم (صاحبان قدرت و مستخدمین دولتی یا وابسته به دولت) موضوعیت دارد، ولی مرتکب جرایم اقتصادی می‌تواند هر فردی از اعضای جامعه اعم از کارکنان دولت یا دیگر طبقات اجتماعی باشد، لذا ارتکاب جرایم فساد مالی که تنها اعتماد مردم به کارگزاران دولتی را مخدوش می‌کند، بدون این‌که مؤثر در فعالیت‌های اقتصادی باشد، نمی‌تواند مصداق جرم اقتصادی باشد.

جرایم اقتصادی در بستر زندگی اقتصادی روزمره مردم ارتکاب می‌یابد و همین بستر زندگی بنا به اقتضائات خود، اطلاعات و دانشی را در اختیار افراد قرار می‌دهد که گاه در ارتکاب جرایم مورد استفاده قرار می‌گیرند و بدین ترتیب است که می‌توان گفت جرم اقتصادی مستلزم داشتن اطلاعات و دانش اقتصادی، تجاری یا مالی است (ابراهیمی، ۱۳۹۴: ۱۴۶). در این مورد می‌توان به جرایم ارتكابی در حوزه تجارت الکترونیکی یا جرایم مربوط به بازار بورس و اوراق بهادار اشاره کرد که در آن‌ها مرتکب باید با ریزه‌کاری‌های فنی و تخصصی بورس یا تجارت الکترونیکی آشنا باشد تا بتواند جرم را انجام دهد، لذا مرتکبین این جرایم، اشخاصی هستند که با تسلط کامل بر استلزامات و موازین شغلی و حرفه‌ای و به تبع آن، آگاهی از پیامدها و نتایج زیان‌بار نقض مقررات اقتصادی، نظم و امنیت اقتصادی جامعه را مختل می‌سازند. به هر حال، آنچه مهم است پیشگیری از گذر از اندیشه به فعل در جرایم اقتصادی است (صادق‌نژاد نایینی، ۱۳۹۳: ۷۳۷).

از آنجا که ثبات و تداوم نظم هر جامعه‌ای رابطه مستقیم و انکارناپذیری با اقتصاد دارد، اتخاذ سیاست کیفری هوشمندانه درخصوص این جرایم امری غیرقابل چشم‌پوشی است. در هر حال باید گفت منظور از جرایم اقتصادی، جرایمی است که در راستای حمایت از فعالیت‌های اقتصادی، جرم تلقی شده است

اقتصادی می‌شود. بنابراین مجرمان اقتصادی ثروت‌های خود را در جاهایی سرمایه‌گذاری می‌کنند که هم سود بیشتری عایدشان شود و هم امکان فرار قانونی وجود داشته باشد (Budima, 2006: 233).

درخصوص مرتکبان جرایم اقتصادی باید گفت اینان افرادی با هوش و ذکاوت هستند و امکان مقایسه آن‌ها با مرتکبان سایر جرایم وجود ندارد. بی‌گمان امکان بازجویی و دادرسی این افراد با یک شیوه خاص نمی‌تواند گامی مؤثر در فرآیند دادرسی باشد. از سوی دیگر، ابعاد گسترده این جرایم باعث می‌شوند برخی از افرادی که می‌توانند نقشی مهم در کشف حقایق داشته باشند، به سبب ترس از رویارویی با افراد با نفوذ نتوانند در فرآیند دادرسی مؤثر باشند (آیت، ۱۳۹۸: ۲۶۹). به همین جهات و ویژگی‌های خاص این جرم در برخی قوانین قالب کیفیت مشدد افساد فی الارض برای جرایم اقتصادی به کار برده شده است، از جمله ماده ۴ قانون تشدید مجازات مرتکبان ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری و ماده ۱ قانون مبارزه با اخلاط‌گران در نظام اقتصادی مصوب ۱۳۶۹.

در تحلیل هزینه‌های جرم، درک و تصویری که عموم مردم از خطر مجازات به عنوان مهم‌ترین هزینه ارتکاب جرم دارند، اهمیت دارد؛ منشأ این تصورات می‌تواند متفاوت باشد، از آگاهی‌های عموم مردم از قوانین جزایی گرفته تا تصوراتی که رسانه‌ها از خطر مجازات‌شدن ایجاد می‌کنند. فاصله این تصورات تا واقعیت عملکرد نظام عدالت کیفری ممکن است بسیار باشد. از طرفی عموم مردم که در شرایط عادی تصوراتی خاص از هزینه‌های جرم دارند، ممکن است در شرایط مواجهه با عوامل محرک ارتکاب و وسوسه‌های مجرمانه تصورات خود را تعدیل کنند (حدادزاده، ۱۳۹۹: ۱۶)، البته باید اشاره کرد سطح تحلیل و سنجش افراد متفاوت است. تلقی افراد خطرپذیر از این هزینه‌ها متفاوت از تلقی افراد خطرگریز است. همچنین از آنجا که عملکرد نظام عدالت کیفری در مواجهه با جرایم متأثر از نظام حکومتی و ایدئولوژی حاکم نیز است، تلقی افراد از این هزینه‌ها با نگرش آن‌ها نسبت به حکومت نیز بی‌ارتباط نیست، البته این ادعا که مجرمین دقیقاً برخلاف افراد عادی خطرپذیرند، مورد تردیدهای

منفعت واسطه‌ای نیست. نمونه دیگری از جرایم اقتصادی جرم پولشویی است. در یک تعریف بسیار ساده، پولشویی فرآیند تبدیل پول‌های نامشروع ناشی از فعالیت‌های غیرقانونی و نامشروع به پول‌های تمیز، مشروع و قانونی است که اقتصاد زیرزمینی، نظام اداری ناسالم و ناکارآمد و نظام مالی فاقد سیستم نظارتی قوی بستری مناسب برای ارتکاب آن محسوب می‌شوند. پولشویی دارای اثرات گسترده نامطلوب و زیان‌باری است. اختلال در بازارهای مالی، افزایش تورم، کاهش تمایل به سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های تولیدی، فساد اداری، خروج سرمایه از کشور و کاهش اعتماد عمومی در سطح داخلی و خارجی، از جمله پیامدهای پولشویی است. رفتار مجرمانه در پولشویی به کلی با جرم اختلاس متفاوت است. از اساس جرم پولشویی به عنوان یک جرم ثانویه شناخته می‌شود؛ این بدان معناست که پیش از وقوع پولشویی، جرمی دیگر رخ داده است که حتی ممکن است مستقیماً جنبه مالی نداشته باشد، ولی پولشویی آن را تبدیل به منفعت مالی می‌کند. برای نمونه، جرم آدم‌ربایی یک جرم مالی محسوب نمی‌شود، ولی ممکن است دارای عواید مالی باشد و مجرم به صورت مستقیم و یا با همکاری یک گروه سازمان‌یافته، برای مشروع‌نشان دادن درآمد حاصل از آن، دست به اقداماتی دیگر بزند.

۲- ویژگی‌های جرم اقتصادی

جرم اقتصادی از نظر بزه‌دیده نیز دارای ویژگی‌های خاص خود است. اگر در جرایم سنتی و عمومی معمولاً بزه‌دیده مستقیم وجود دارد، در جرایم اقتصادی علاوه بر بزه‌دیدگان مستقیم، آثار و پیامدهای این گونه جرایم گریبان‌گیر بزه‌دیدگان غیرمستقیم نیز می‌شود. بنابراین باید گفت جرایم اقتصادی موجب اخلاط و بی‌ثباتی اقتصادی می‌شود.

مجرمان اقتصادی عواید حاصل از جرم را با درآمدهای قانونی مخلوط کرده و با در دست داشتن امکانات مالی، هزینه تولید محصولات خود را کاهش داده و رقبای دیگر را که فعالیت قانونی دارند، از صحنه رقابت خارج می‌کنند. همچنین در کشورهای در حال توسعه بر میزان بودجه دولت تأثیر گذاشته، در نتیجه منجر به کاهش کنترل دولت بر سیاست‌گذاری‌های

حقوقی و قضایی (شاکی یا دادستان) است که باید شواهد کافی برای اثبات جرم فراهم شود و در صورت عدم اثبات جرم، متهم بری هستند و تبرئه می‌شوند.

«آزادی خواهان با تجربه تلخی که از دوران قبل (دادرسی‌های فردی، انتقام شخصی و مجازات‌های بی‌رحمانه) داشته‌اند با تصریح به اصل برائت خواهان حقوقی اساسی برای متهم، از جمله حق دفاع، حق داشتن وکیل و محدودیت در بازداشت‌ها بوده‌اند» (راسخ، ۱۳۸۲: ۳۲).

۳-۲- اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری

به موجب یکی از قواعد مسلم حقوقی، هر انسانی، مسئول عمل خویش است و هیچ کس را نمی‌توان برای فعلی که دیگری مرتکب شده است، مسئول دانست. به موجب اصل فردی بودن مسئولیت کیفری هر کس برای تقصیری که مرتکب شده است، مواخذه می‌گردد. قلمرو این اصل در مرحله دادرسی است، اما قلمرو اصل شخصی بودن مجازات در مرحله اجرای مجازات است.

۳-۳- اصل بی‌طرفی (بی‌غرضی)^۱

از جمله مؤلفه‌های دادرسی عادلانه، رعایت اصل بی‌طرفی در فرایند دادرسی است. بی‌طرفانه بودن دادرسی شرط لازم، اما برای عادلانه بودن دادرسی تنها عامل و شرط نیست. تضمین سلامت دادرسی اصل بی‌طرفی است و حق برخورداری مردم از یک محاکمه عادلانه و بی‌طرف را به منصف ظهور می‌رساند (زراعت، ۱۳۸۸: ۸۸). اصل تفکیک مقام تعقیب و تحقیق از مقام رسیدگی کننده از مهم‌ترین آثار و نتایج اصل بی‌طرفی است و مقام تحقیق باید با بی‌طرفی کامل اقدام به انجام تحقیقات همه‌سونگر نماید و دلایل را هم له و هم علیه متهم جمع‌آوری کند.

۳-۴- اصل استقلال قاضی

قاضی باید در رعایت اصل استقلال نسبت به منافع شخصی و دولتی، فشار وارده از سوی گروه‌های فشار و ذی‌نفوذ و رسانه‌های گروهی بی‌اعتنا باشد، چرا که تحقق عدالت و منافع عمومی به عنوان تنها هدف وی مورد توجه باشد. در بررسی

جدی قرار گرفته است، ولی به هر حال یکی از ادعاهای «گری اس. بکر» این بود که مجرمین در مقایسه با افراد عادی خطرپذیر هستند (Mungan, 2016: 801). این مسأله در قوانین ایران مورد توجه بوده است، از آنجایی که قوانین مربوطه با لزوم دستگیری و اعمال مجازات به دنبال کاهش بروز فساد و ارتکاب جرم اقتصادی بودند، به عنوان نمونه باید به قانون محوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۷۴ مجمع تشخیص مصلحت نظام اشاره کنیم.

۳- اصول و قواعد جزایی حاکم بر دادرسی جرایم اقتصادی

در هر نظام حقوقی اصول کلی وجود دارد که بازگوکننده ارزش‌ها و معیارهای حاکم بر آن نظام است. قانون‌گذار با الهام از این ارزش‌ها اقدام به وضع قواعد می‌کند. به عبارت دیگر، همه قواعد در نظام حقوقی از این مفاهیم عالی نشأت می‌گیرند. اصول بنیادین حقوق منشأ وضع قواعد حقوقی و همچنین بازگوکننده ارزش‌های حقوقی حاکم بر جامعه به شمار می‌آیند. بعضی از این اصول نیز خود دربردارنده اصول دیگر است که وجود و اجرای آن‌ها برای تحقق عدالت، البته بسیار مهم و تأثیرگذار می‌باشد، به مانند اصل قانونی بودن دادگاه که «مهم‌ترین آثار حقوقی آن عبارت است از اصل برائت، تفسیر مضیق، منع قیاس و عطف به ماسبق قوانین کیفری می‌باشد» (آشوری، ۱۳۷۶: ۱۳۵). درواقع اصول حقوقی، اساس حقوق موضوعه را تشکیل می‌دهد و هرچه نظام حقوقی در وضع قانون به اصول حقوقی توجه بیشتری کند، آن نظام حقوقی ارزشی‌تر خواهد بود و نزد مردم مقبولیت بیشتری خواهد داشت (حسینی و غلامی، ۱۴۰۰: ۵۱). بنابراین آنچه در تدوین قوانین ضرورت دارد، پایبندی قانون‌گذار به اصول و قواعد بنیادین حقوق کیفری است.

۳-۱- اصل برائت

در اصل برائت حقوقی، اصولاً فرد بی‌گناه منظور می‌شود، مگر آنکه جرم وی اثبات گردد. بر طبق اصل برائت، متهم بر اثبات بی‌گناهی خود تکلیفی ندارد. این اصل از حقوق متهمان در دادگاه‌ها است و از اصول عمومی و کلی نظام‌های حقوقی که تعداد زیادی از کشورها آن را به رسمیت می‌شناسند؛ بنابراین بر طبق این اصل، اثبات جرم برعهده فرایند دادرسی

^۱ - Impartiality=Neutrality

عدالت راهکاری را پیشنهاد می‌کند که به اعمال حق در مرجع رسمی تظلمات منجر می‌شود» (محسنی، ۱۳۹۶: ۵۳۱). اصل دسترسی به دادگستری و عدالت، مجموعه عوامل حقوقی و سازمانی سیستم عدالت مدنی در جهت ارائه خدمات قضایی قابل دسترس و مؤثر است. اصل دسترسی یکی از اصول راهبردی در نظریه عمومی دادرسی مدنی است که دارای بنیانی اخلاقی و رویکردی کاربردی است (حبیبی، ۱۳۹۷: ۶۱).

۳-۷- اصل علنی بودن رسیدگی

منظور از علنی بودن جلسه دادرسی این است که افراد جامعه بتوانند آزادانه در جلسات دادگاه حاضر شوند و چگونگی جریان آن را از نزدیک ببینند و به اجرای دقیق قوانین، بی‌نظر بودن دادرسان و وجود عدالت واقعی قضایی اطمینان خاطر پیدا کنند. «در علنی بودن دادرسی، افراد جامعه بتوانند آزادانه در جلسات دادگاه حاضر شده، چگونگی جریان مواقع را از نزدیک مشاهده کنند و به اجرای دقیق قوانین، بی‌نظر بودن دادرسان و وجود عدالت واقعی قضایی، اطمینان پیدا نمایند، البته نباید از نظر دور داشت که مری و در منظر بودن قضات و طرفین دعوی، می‌تواند به افزایش کیفیت رسیدگی و صدور حکم عادلانه در محاکم کمک به‌سزایی کند» (رضوی فرد و قربان‌زاده، ۱۳۹۵: ۱۶۳). «اصل علنی بودن دادرسی متکفل تأمین دو مصلحت است: یکی حمایت از متهم در برابر محاکمه‌های سری و دیگری جلب اعتماد عمومی به اجرای عدالت» (Bassiouni, 1994: 46).

۳-۸- اصل تساوی در برابر قانون و دادگاه‌ها

دادرسی منصفانه یک حق بشری است و اختصاص تنها به شهروندان یک کشور ندارد. حقی است که هم در حقوق شهروندی مربوط می‌گردد و هم مربوط به حقوق بشر است. حق هرکس از جهت دادرسی منصفانه مستلزم این است که بدون در نظر گرفتن هرگونه تمایز از لحاظ مذهب، نژاد، زبان، اعتقاد سیاسی، قومیت و ملیت در مقابل دادگاه‌ها حضور یابد. «اصل دسترسی به دادگاه اصل پایه‌ای است. اصلی است که حتی اصل برائت بر آن اساس قابل توصیف است. اصل برائت

پرونده شرایط و اوضاع و احوال مرتبط با نفع یا ضرر مظنون و حالات مختلف در قضیه در نظر گرفته شود و ضمن بررسی حقیقت و عدالت در مورد جامعه، بزه‌دیده و متهم، از این‌که همه تحقیقات منطقی و ضروری انجام‌یافته اطمینان خاطر فراهم شود. حق محاکمه‌شدن توسط یک دادگاه مستقل و بی‌طرف از اساسی‌ترین حقوق انسان‌ها و یک اصل اساسی حکومت قانون محسوب می‌شود.

۳-۵- اصل هم‌ترازی (تساوی سلاح‌ها)

اصل هم‌ترازی که تحت عنوان تساوی سلاح‌ها نیز یاد می‌شود، بیانگر آن است که طرفین، از یک‌سو فرصت کافی برای اقامه دعوا و بیان دیدگاه‌ها و دغدغه‌های خود و دفاع در آن را داشته و از سوی دیگر، امکان یکسان دسترسی به اسناد و مدارک پرونده را برخوردار باشند. «از این‌روست که بازپرس به‌عنوان مهم‌ترین و اصلی‌ترین مقام تحقیق موظف گردیده با رعایت اصل بی‌طرفی در انجام تکالیف خود به‌ویژه انجام تحقیقات اقدام نماید و با عملکرد ناصواب و ناسنجیده خود اصل هم‌ترازی حقوق اصحاب دعوا را مخدوش ننماید» (موسوی، ۱۳۹۲: ۶۹). آنچه که درخصوص اصل برابری سلاح‌ها مهم و ذاتی است، آن است که هر دو طرف امکان معقولی برای پیگیری و ارائه دعوا در شرایطی داشته باشند که واقعاً نسبت به طرف مقابل در موقعیت مناسب‌تری قرار نگیرند (MCIntyre, 2013: 33).

۳-۶- اصل دسترسی به نهادهای حل‌وفصل‌کننده اختلاف‌ها (دادگاه‌ها)

اصل دسترسی به دادگاه که ما در اینجا به کلیه نهادهای حل‌وفصل‌کننده اختلاف‌ها مد نظر قرار دادیم، جدا از حق دسترسی به عدالت است. درحقیقت دسترسی به عدالت نیازمند وجود سازوکارهای موجود قضایی برای حضور شاکیان می‌باشد، اما هر دسترسی به دادگاه و نهادهای حل‌وفصل‌کننده اختلاف منجر به برقراری عدالت نمی‌شود. «اصل دسترسی به عدالت تنها به‌معنای حق دسترسی به آن نیست؛ قاعده دسترسی به دادگستری به‌منزله مرجع رسمی تظلمات را نیز دربر می‌گیرد، پس هرگاه در وجود حق دادخواهی یا حق مراجعه به دادگستری تردید شود، بی‌گمان اصل دسترسی به

بر یک مصوبه قوه مقننه استوار باشد. در این زمینه دادگاه‌های ویژه تنها تحت شرایطی پذیرفته خواهد شد.

۳-۱۱- اصل قانونی بودن جرم و مجازات‌ها

به موجب این اصل، هر جرم و مجازاتی باید پیش از نقض ارزش مورد حمایت، در پارلمان، در قالب قانونی شفاف، صریح و قابل فهم برای همگان به تصویب رسیده و برای همگی شهروندان در دسترس باشد، حتی اگر دولت سوءنیت نیز نداشته باشد، نبود قوانینی شفاف، صریح و قابل فهم برای همگان برای تعریف جرایم و تعیین جزاها به غیرقابل بررسی بودن تصمیم‌های قاضیان و هرج و مرج قضایی می‌انجامد و جان و مال و آزادی‌های مردم دستخوش سلیقه و تصادف می‌گردد، بدین سان گزافه نیست اگر اصل قانونی بودن جرایم و جزاها را یکی از مهم‌ترین «اصول بنیادی» حقوق کیفری مدرن بدانیم.

۴- ایده‌ها و رویکردهای جرم‌انگاری با نگاه به اصول و قواعد جزایی

نظام لیبرال به دنبال کاهش میزان مداخله دولت در امور شهروندان بوده، لیکن امروزه یکی از جدی‌ترین چالش‌های فراروی نظام حقوقی لیبرال، افزایش دخالت دولت‌ها در حقوق و آزادی‌های فردی و افراط در جرم‌انگاری است. در همین راستا، بررسی میزان ضروری جرم‌انگاری، تبیین چرایی فرارفتن حقوق کیفری از حد ضروری خود و تحلیل اصول محدودکننده دخالت کیفری دولت، یکی از مباحث مهم و شاید اصلی‌ترین موضوع در فلسفه حقوق کیفری باشد.

فرد از این حق بنیادین برخوردار است که جرم‌انگاری به عنوان شدیدترین حالت دخالت در حقوق و آزادی‌های فردی، باید محدود بوده و در چهارچوب ضرورت‌های هم‌زیستی مسالمت‌آمیز باشد. اصل ضرورت در جرم‌انگاری، بیانگر آن است که نمی‌توان و نباید جرم‌انگاری کرد و در برخورد با اعمالی که هم‌زیستی مسالمت‌آمیز را خدشه‌دار می‌کند، اولویت با پاسخ‌های غیرحقوقی غیرکیفری، سپس حقوقی غیرکیفری و در نهایت، استفاده از ابزار کیفری است. بر مبنای این اصل، دخالت کیفری در عملی که هم لازم است کنترل شود و نیز قابلیت کنترل و نظارت را دارد، در صورتی موجه

در فرضی که دسترسی به دادگاه مفقود باشد، از اثر می‌افتد» (قربانی، ۱۳۹۰: ۱۷۰).

اصل تساوی افراد در برابر قانون در بسیاری از قوانین کشورها و اسناد بین‌المللی اشاره شده است. در مواد ۷ و ۱۱۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر، بند ۱ ماده ۲ میثاق حقوق مدنی و سیاسی و مواد ۳ و ۲۶ آن، مواد ۸ و ۲۴ عهدنامه آمریکایی حقوق بشر، مواد ۲ و ۳ منشور افریقایی حقوق بشر و ملتها و ماده ۶ و ۱۴ عهدنامه اروپایی حقوق بشر به آن اشاره شده است. ماده ۲۱ اساسنامه دادگاه یوگسلاوی سابق، بند ۱ ماده ۲۱ اساسنامه دادگاه رواندا و بند ۱ ماده ۶۷ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی به اصل تساوی افراد در برابر دادگاه‌ها تأکید و توجه شده است.

۳-۹- اصل دادرسی شفاف، منظم و با سرعت

یکی از مهم‌ترین مسائل و مشکلات پیش روی دادرسی منصفانه و دادگسترانه، اطاله دادرسی ناشی از کاغذبازی، حجیم بودن فرایند اداری و تصمیم‌گیری‌های نامرتب با امور قضایی است. «شورای اروپا به کشورهای عضو این شورا توصیه نموده است با تأسیس کمیسیون ویژه نسبت به کاهش روند اطاله دادرسی در جریان تحقق عدالت اهتمام ورزند. ساده‌سازی نباید به افراط و تفریط دچار شود. حدوث افراط و تفریط در این حوزه با عوارض منفی یک سازمان بوروکراتیک که غیرکارآمد تفاوت ماهوی نخواهد داشت» (هاشمی، ۱۳۹۲: ۴۵). سازوکار منع تاخیر نامتعارف که مورد تأکید میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و سایر اسناد حقوق بشری قرار گرفته است، مکمل اصل دادرسی شفاف، روشن و با سرعت است.

۳-۱۰- اصل قانونی بودن و صالح بودن دادگاه

اصل قانونی بودن دادگاه که در اسناد ملی مورد توجه قرار گرفته است، در بند ۱ ماده ۱۴ میثاق اول حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶، بند ۱ ماده اساسنامه آمریکایی حقوق بشر و در بند ۱ ماده ۶ عهدنامه اروپایی حقوق بشر نیز ذکر شده، مقتضای اصل حاکمیت قانون می‌باشد و این‌گونه تفسیر شده است که دادگاه نباید وابسته به صلاحیت قوه مجریه باشد، بلکه باید تا آنجا که به چهارچوب سازمانی آن مربوط می‌شود،

حمایت از ارزش‌ها و منافع موجه نیست؛ حقوق کیفری تنها زمانی به کار گرفته می‌شود که دیگر راه‌ها مانند اقامه دعوی مدنی، راه حل‌های اداری و ضمانت اجرای غیرکیفری کارایی نداشته باشند، از همین رو مجازات آخرین راه حل سیاست اجتماعی نامیده می‌شود.

۵- بازتاب اصول و قواعد جزایی بر قوانین کیفری مربوط به جرم اقتصادی

جرائم اقتصادی یکی از چالش‌های جوامع در جهان کنونی به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه است که امنیت کشورها را مورد تهدید قرار می‌دهد. گسترش جرایم اقتصادی مانع دستیابی دولت به اهداف ملی در حوزه امنیت اقتصادی شده و جریان عمومی امور را به مخاطره می‌اندازد (مصطفی‌پور، ۱۳۹۵: ۶۶). جرم اقتصادی بدون همکاری بزه‌دیده به سختی به اطلاع نهادهای نظارتی، اجرایی و قضایی می‌رسد. زمانی که جرم اقتصادی در یک شرکت، اداره یا یک سازمان ارتکاب می‌یابد، کارمندان مطلع می‌توانند در اعلام جرم ارتكابی مشارکت کرده تا بتواند مجرمین را تحت پیگرد قرار داد (شعبانی و همکاران، ۱۳۹۹: ۹۸).

در جرم‌انگاری و تعیین مجازات اخلاگران در نظام اقتصادی از واژه‌هایی نظیر کلان و عمده و فراوان استفاده شده است. در ماده ۲ قانون فوق‌الذکر و تبصره آن بر مبنای همین ضوابط و معیارها مجازات تعیین شده است. وفق تبصره ۱ ماده ۲ (اصلاحی ۱۳۸۶) در صورت عمده یا کلان یا فراوان نبودن اخلال، مرتکب علاوه بر رد مال به حبس از شش ماه تا سه سال و جزای نقدی محکوم خواهد شد. در صورت عمده محسوب شدن نتیجه مجرمانه، وی حداکثر به بیست سال حبس و ضبط کلیه اموالی که از طریق خلاف قانون به دست آورده محکوم خواهد شد. به عبارتی دیگر قانون‌گذار بر مبنای ضابطه عمده یا فراوان یا گسترده بودن سه مجازات مختلف برای مرتکبین اخلال در نظام اقتصادی در نظر گرفته است. در صورتی که اخلال عمده نباشد، همان‌طور که بیان شد، مجازات مرتکب شش ماه تا سه سال و جزای نقدی می‌باشد.

خواهد بود که جرم‌انگاری ضرورت داشته باشد؛ ضرورت نیز در قالب لزوم دخالت کیفری و قابلیت استفاده از ابزار جزایی در مورد آن عمل، معنا می‌یابد و در صورتی می‌توان عملی را جرم‌انگاری کرد که سایر ابزارها در کنترل آن مؤثر نبوده و ابزار کیفری نیز بتواند در نظارت و محدود کردن آن عمل، تأثیر داشته باشد و بر این اساس، برخی رفتارها، با وجود عدم مؤثر بودن دیگر ابزارهای کنترل و نظارت، از ویژگی انتقال‌ناپذیری به قلمرو حقوق کیفری برخوردارند.

آنچه می‌تواند مبنایی برای بحث از اصل ضرورت در جرم‌انگاری باشد، حق فرد بر محدود بودن جرم‌انگاری و اصل بر آزادی فردی است که براساس آن، بر محدود بودن دخالت کیفری به موارد ضروری تأکید می‌شود. بر همین اساس، در صورتی می‌توان عملی را جرم‌انگاری کرد که علاوه بر ایجاد ضرر شدید در نظم عمومی، از نگاه جامعه نیز غیراخلاقی قلمداد شده و در ثانی، محدودیت‌هایی را که حقوق کیفری، خود بر جرم‌انگاری قرار می‌دهد، توجیه نماید.

امروزه جرم‌انگاری ناشی از تلقین نگرانی عمومی برگرفته شده از فرایند رسانه‌ای شدن و یا سیاست‌زده نمودن آن، رشد قوانین کیفری در تاریخ اجتماعی جوامع را نشان می‌دهد که نباید دستاویز قانون‌گذاری جزایی از نظرگاه کارآمدی و چشم انداز اقتصادی تلقی گردد؛ فرایندی که تعبیر به جرم‌انگاری حداکثری از مجرای تورم سیاهه جرایم می‌شود (طاهری، ۱۳۹۲: ۳۷). بدین‌منظور نظام جزایی، اصل کاربرد کمینه حقوق کیفری را به کارگیری جرم‌انگاشتن من حیث آخرین راه چاره بعد از این که دیگر راه‌ها و موانع کارساز واقع نگردید، تعبیر نموده که می‌توان با اعمال شروطی چند از ابزار حقوق کیفری برای حمایت از ارزش‌ها استفاده نمود.

اصل کاربرد کمینه حقوق کیفری به‌ویژه در نظام‌های قانون‌مدار و پایبند به ارزش (آزادی) نظیر دولت‌های حداقلی جایگاه ویژه‌ای دارد؛ باتوجه به این که در چنین دولت‌هایی اصل اولی، آزادی شهروندان است، تحدید آزادی‌ها در هر قالبی، از جمله از راه جرم‌انگاری به توجیه کافی نیازمند است. به نظر روکسین^۱، حقوق کیفری تنها وسیله مناسب برای

^۱ - Claus Roxin

۶- اصول و قواعد جزایی و پیشگیری از جرم اقتصادی

پیشگیری در تمام نظام‌های حقوقی و در اعصار مختلف مد نظر قانون‌گذاران و مجریان قانون بوده است. به‌عنوان مثال در نظام حقوقی زرتشت، مقامی تحت عنوان کوی‌بان وجود داشته است که در مقام دادسرای امروزی انجام وظیفه می‌نموده است و در دادرسی عادلانه نقش مهمی داشته است. تعقیب، تحقیقات مقدماتی، تنظیم کیفرخواست و پیشگیری از وقوع جرم برطبق قانون برعهده وی بوده است. درنهایت باید اشاره کرد، ازجمله راهکارهای پیشنهادی برای پیشگیری و کنترل جرایم اقتصادی می‌توان به ارائه تعریف قانونی جرم اقتصادی و تجمیع و پالایش قوانین مرتبط با جرایم اقتصادی به‌منظور تسهیل امور پیشگیری و کنترل، توجه جدی به مقوله بیکاری و اتخاذ سیاست‌های مناسب اشتغال‌زا جهت کاهش بیکاری به‌ویژه برای جوانان، تعیین حداقل دستمزد به‌صورت مناسب، کاهش نابرابری درآمدی از طریق سیاست‌های مناسب و اصلاح الگوی توزیع درآمدی در کشور، شفاف‌سازی فعالیت‌های مالی از طریق گزارش‌دهی دستگاه‌های مرتبط، اعمال اصلاحات مالی از طریق تعدیل قواعد مربوط به حفظ اسرار بانکی، ایجاد بانک اطلاعاتی مربوط به معاملات دولتی، طراحی و پیاده‌سازی سیستم اطلاعات یکپارچه مالی اشاره نمود.

سیاست جنایی درقبال پیشگیری جرایم اقتصادی را می‌توان در دو بعد بررسی نمود. سیاست جنایی در قبال پیشگیری جرایم اقتصادی در محیط داخلی شامل: ۱- حفاظت از اسرار تولیدی، تجاری و بازرگانی که در این راستا حفاظت از اسرار باید موضوع یک دستورالعمل اختصاصی قرار گیرد، به‌گونه‌ای که آمار تعداد کسانی که دسترسی به این داده‌ها دارند، به حداقل ممکن کاهش یابد؛ ۲- استخدام نیروی انسانی که یکی از کلیدی‌ترین تدابیر پیشگیرانه و حمایتی شرکت در برابر جرایم اقتصادی است؛ ۳- تغییر دوره‌ای پست برخی از افراد که در یک شرکت هم مفید و هم ضروری است و موجب سلامت موقعیت شغلی و کارکنان و مجموعه می‌شود؛ ۴- نظام‌مندکردن مدیریت واحد که در این خصوص باید

گفت ایجاد انگیزه برای نیروی انسانی شرکت به‌عنوان منبع سرمایه و نیز اتخاذ تدابیر لازم جهت پیشگیری از انجام فعالیت‌هایی که به مدیون و درنهایت ورشکسته‌شدن شرکت می‌انجامد، جهت تضمین حفظ سرمایه اولیه و نیز پیش‌بینی اقدامات لازم برای زمان مقروض‌شدن احتمالی، از عهده یک مدیریت نظام‌مند برمی‌آید.

سیاست جنایی درقبال پیشگیری جرایم اقتصادی درمحیط خارجی شامل: ۱- پژوهش درباره طرف‌های یک معامله که واحدهای مختلف شرکت که مسؤول معاملات و رابط بیرون از شرکت هستند باید اطلاعات لازم را درخصوص طرف‌های تجاری که قرار است در آینده قراردادی با آن‌ها منعقد یا خدمتی ارائه شود، استخراج کنند؛ ۲- حفاظت از شبکه‌های رایانه ای در اینجا مجموعه ای از تدابیر حمایتی که شامل رفتار کاربران و رمزگذاری نیز می‌شود مد نظر است؛ ۳- رعایت الزام‌ها و مقررات عهدنامه‌های بین‌المللی مرتبط مانند کنوانسیون بین‌المللی سازمان ملل برای مبارزه با فساد، مشهور به کنوانسیون مریدا، مصوب ۲۰۰۳، کنوانسیون مبارزه با جرایم سازمان‌یافته فراملی مصوب سال ۲۰۰۰ و نیز کنوانسیون‌های مربوط به حمایت از محیط زیست نه‌تنها به تضمین حسن کارکرد بازار و حمایت از محیط زیست می‌انجامد، بلکه در عمل اقدامی پیشگیرانه برای خود شرکت در برابر تعرضات احتمالی یا فعالیت‌های مجرمانه مانند ارتشا، تأسیس شرکت‌های واهی، جرایم سازمان‌یافته محسوب خواهد شد، زیرا شیوه رفتار و فعالیت شرکت باتوجه به انتشار این خصوصیات، می‌تواند بسته به شرایط، شرکت را از تعرضات احتمالی مصون نگه داشته یا آن را در معرض سیل و آماج حملات مجرمانه قرار دهد.

توسل به مجازات در جرایم اقتصادی منتهی به کسب نتایج مورد انتظار نمی‌شود. درواقع اگر نیم‌نگاهی به مقوله رقم سیاه جرایم اقتصادی داشته باشیم، جامعه، راهی جز روی آوردن به پیشگیری پیدا نخواهد کرد. در تأیید همین دغدغه بود که شورای اروپا در سال ۱۹۸۱ به دولت‌های عضو توصیه کرد به پیشگیری از جرایم اقتصادی توجه ویژه داشته باشند. در همین راستا قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲، با

۱- به مانند بانک‌ها که اجازه نمی‌دهند که یک کارمند به مدت طولانی و در یک موقعیت شغلی به خدمت ادامه دهد.

وجود به‌کاربردن کلمه «مبارزه» در عنوان قانون و به نوعی دشمن و غیرخودی‌پنداشتن مرتکبین آن، بعد از ذکر تعاریف، مصادیق و تشکیلات در فصل اول، به جای پرداختن به جرایم و واکنش‌ها و تدابیر قهرآمیز، همانند کنوانسیون سازمان ملل برای مبارزه با فساد، بلافاصله به پیشگیری روی آورده و بعد از قانون مجازات اسلحه و مهمات و دارندگان سلاح غیرمجاز، مصوب ۱۳۹۰/۰۳/۲۶ که یک ماده (ماده ۱۹) به پیشگیری اختصاص داده بود، در فصل مستقل یازده ماده‌ای به پیشگیری از قاچاق پرداخته و به نوعی با صدای رسا، این پیام را منتقل نموده که تنها سرمایه‌گذاری برابر در حوزه پیشگیری و مجازات می‌تواند موج نگران‌کننده جرایم اقتصادی را در درازمدت مهار کند. بی‌تردید انجام این امر به تنهایی از عهده دستگاه قضایی و پلیس و مقامات تعقیب برنمی‌آید و به همه جامعه مربوط می‌شود.

در همین راستا ماده ۱۲ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲، کلیه دستگاه‌های عضو ستاد را موظف ساخته است، در چهارچوب اولویت‌های تعیین‌شده، برنامه‌های سالانه پیشگیری از قاچاق کالا و ارز دستگاه متبوعه خود را جهت بررسی و تصویب به ستاد ارائه نمایند. این تدبیر، یعنی الزام دستگاه‌ها به تنظیم برنامه‌های سالانه پیشگیری، در نوع خود جالب است و می‌تواند به تدریج، متولیان پیشگیری و مبارزه با جرایم اقتصادی، از جمله قاچاق کالا و ارز را که در بند «خ» تبصره ماده ۳۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و نیز ماده ۵۷ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز به‌عنوان یکی از مصادیق جرایم اقتصادی معرفی شده است، به سمت تحقیقات جرم‌شناختی و مطالعات آماری و تنظیم علمی برنامه هدایت کند. در کانادا و فرانسه راهبردهای ملی پیشگیری از جرم معمولاً برای یک دوره زمانی پنج‌ساله تعریف می‌شود.

ناگفته پیداست پیشگیری از جرایم اقتصادی باید مبتنی بر تحقیقات علت شناختی، داده‌های آماری، شناخت عملی و نظری از سازمان‌های متولی تعقیب، رسیدگی و به‌طور کلی واحدهای درگیر در این دسته جرایم باشد. توجه به این مهم نشان می‌دهد که برنامه‌ریزی برای پیشگیری از این دسته جرایم، صرفاً برعهده قوه قضاییه نیست، بلکه نهادهای متعدد

و نیز همه افراد علاقمند به این حوزه به‌عنوان کارشناس و صاحب نظر در حوزه‌های تجارت، امور اداری، حقوق‌دان، کیفری، تجار و اهل کسب و کار، جامعه‌شناس، روان‌شناس، متخصصین فناوری اطلاعات و جرم‌یابی باید به مناسبت، مداخله و مشارکت نمایند. با تکیه بر داده‌های حاصل از فعالیت این گروه و نیز تحقیقات انجام‌شده می‌توان تحولات جرایم اقتصادی در یک دوره مشخص را پیش‌بینی و برنامه پیشگیرانه لازم را تدوین و ارائه نمود، مثلاً می‌توان تشخیص داد فراوانی یک جرم مشخص در یک دوره معین، چشم‌گیر است. بر همین اساس می‌توان آن را در اولویت برنامه‌های پیشگیری قرار دارد، البته برای این که یک برنامه اجرایی و عملی شود، باید مبتنی بر واقعیت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی یک جامعه باشد. به‌عنوان مثال، چنانچه نتایج تحقیقات از بی‌علاقگی دولت و به‌طور کلی نظام سیاسی در «حذف» یک عامل مهم جرم‌زا در جرایم اقتصادی حکایت کند، در تنظیم برنامه باید تدابیر دیگری مانند تشدید کنترل و بازرسی، ملزمن‌نمودن شرکت‌ها، بانک‌ها و سایر مؤسسات ذی‌نفع به پرسش از مقامات دولتی درخصوص وضعیت برخی پرونده‌ها یا حساب برخی اشخاص حقیقی و حقوقی را اتخاذ نمود.

علاوه بر این، مجری برنامه پیشگیری باید صراحتاً در خود برنامه مشخص شود. اتخاذ تدابیر مناسب در این حوزه مستلزم همکاری و تنظیم روابط مشارکت‌کنندگان است که دقیقاً باید در متن برنامه‌ای که مصوب مجلس باشد، تعریف شود، اگرچه پیشگیری، امری مربوط به همه است، متولی اجرا دولت یا نماینده رسمی دولت در استان یا شهرستان یا بخش است که می‌تواند به مناسبت و در هنگام تنظیم برنامه، نظر آنان را جویا شود، مثلاً اگر به این نتیجه رسیدیم که یک جرم خاص موجب بزه‌دیدگی شرکت‌ها یا بنگاه‌های تجاری می‌شود، به هنگام برنامه‌ریزی باید نظر این گروه نیز اخذ و لحاظ شود. درواقع مشارکت بزه‌دیدگان و شهروندان جنبه اختیاری و نظر آنان جنبه مشورتی دارد، لیکن اجرای آن توسط مجری (دولت یا نماینده آن) اجباری است.

موظف به پیشگیری از جرایم واحدهای تحت سرپرستی نموده است.

نتیجه‌گیری

پیشگیری از جرم، از راهبردهای اصلی سیاست جنایی است که برای مهار پدیده مجرمانه همواره مورد توجه است. اهمیت این راهبرد آنچنان است که پیشگیری از جرم در سطح مقررات فراقضایی، یعنی در قانون اساسی پیش‌بینی و به رسمیت شناخته شده است. همین سیاست، سبب شده تا موجبات اساسی‌سازی حقوق پیشگیری از جرم فراهم شود. پیشگیری از بزهکاری از مهم‌ترین سازوکارهای سیاست جنایی است که با توسل به اقدام‌های غیرقهرآمیز درصدد کاهش یا از بین بردن عوامل فردی، محیطی و وضعی جرم‌زا و نیز گرایش به بزهکاری است. حقوق پیشگیری از جرم، یک شاخه هنجارمند است و شامل مجموعه قوانین و مقررات ناظر به تدابیر پیشگیرانه، ساختار و تشکیلات متولی پیشگیری از جرم و چگونگی اعمال اقدام‌های پیشگیرانه می‌شود، یعنی آن دسته از قوانین و مقررات که به ماهیت تدابیر پیشگیرانه، شکل و نهادهای مدیریتی اجراکننده آن‌ها توجه دارند.

در هر کشوری برای اعمال قوانین کیفری و پیشگیری از بزهکاری و نیز درمان و اصلاح بزهکاران و موضوعات مشابه، رویه‌های متفاوتی وجود دارد که مخصوص آن کشور بوده و به‌طور معمول محصول اراده جمعی آن کشور می‌باشد و در اتخاذ این رویه‌ها و شیوه‌های برخورد و کنترل امور فرهنگ عمومی و سابقه تاریخی آن کشور و مسائلی این چنین مورد توجه بوده است. اقدامات و روش‌هایی که در راستای امور فوق در هر کشوری اتخاذ و اعمال می‌شود، سیاست جنایی آن کشور را تشکیل می‌دهد. این سیاست ممکن است منظم و مدون بوده و یا غیر مدون و ناهمگون باشد. جرایم اقتصادی بی‌تردید از نظام سیاسی و نظام اقتصادی هر جامعه که در واقع محیط اجتماعی عمومی هر کشور را تشکیل می‌دهند، متأثر می‌شود. به عبارت دیگر بین گونه و میزان جرایم اقتصادی و نظام اقتصادی حاکم رابطه مستقیم وجود دارد. درحقیقت جرایم اقتصادی ارتباط تنگاتنگ با قدرت سیاسی و نوع آن دارد.

می‌توان پیشگیری را نوعی سرکوبگری غیرکیفری دانست. حسن این روش آن است که بدون نیاز به استفاده از جنبه‌های کیفری و خشونت را، امکان ارتکاب جرم کاهش پیدا می‌کند. «منظور از سرکوبگری غیرکیفری، جنبه سرکوب‌کننده و الزام‌آور سایر شاخه‌های حقوق به‌ویژه حقوق اداری است که گاه به‌طور مستقل و گاه در نقش بدیل حقوق کیفری نسبت به کنترل پدیده مجرمانه اقدام می‌کنند. تدابیر واکنشی غیرکیفری، پاسخ‌های متنوعی به پدیده مجرمانه دارند» (جلوخوانی و همکاران، ۱۴۰۱: ۲۳۶).

درنهایت این‌که اگر پیشگیری را به یک ساختمان و تدابیر پیشگیرانه را به مصالح تشبیه کنیم، پی خواهیم برد که بدون مصالح ساختمان وجود نخواهد داشت، همچنانکه این مصالح باید توسط یک ماده و مخلوطی به هم متصل شوند. بنابراین پیشگیری بدون مصالح و برنامه‌ریزی ربط‌دهنده، راه به جایی نخواهد برد. حال باید دید این تدابیر، به‌ویژه در حوزه جرایم اقتصادی شرکت‌ها، کدام‌اند و موانع اجرا و کارآمدی آن چیست؟

می‌توان تدابیر قابل اعمال در محیط درونی جهت برخورد با جرایم اقتصادی را به این ترتیب بیان کرد:

استخدام نیروی انسانی، یکی از کلیدی‌ترین تدابیر پیشگیرانه و حمایتی شرکت در برابر جرایم اقتصادی استخدام نیروی انسانی است. با بررسی اخبار رسانه‌های نوشتاری به‌خوبی می‌توان فهمید که عمده متهمین پرونده‌های مجرمانه مختلف مرتبط با شرکت، اعضای اخراج‌شده یا تنبیه‌شده شرکت هستند، لذا در هنگام استخدام باید بررسی دقیقی از گذشته حرفه‌ای و پیشینه متقاضی صورت پذیرد. همچنین درخصوص کسانی که برای کار موقت و نیمه‌وقت داوطلب می‌شوند، نه تنها از او، بلکه در مورد شرکتی که قبلاً در آن فعالیت حرفه‌ای داشته است، تحقیق جامع صورت گیرد. این تدابیر پیشگیرانه باید به‌عنوان وظایف مدیران شرکت لحاظ شود. در همین راستا ماده ۱۵ قانون ارتقای سلامت اداری و مقابله با فساد ۱۳۹۰، مقامات، مدیران و سرپرستان هر واحد در سازمان‌های دولتی را به تناسب مسؤولیت و سرپرستی خود

- آشوری، محمد (۱۳۷۶). *اصل برائت و آثار آن در امور کیفری*. تهران: گنج دانش.

- آهنگری، عبدالمجید و ابراهیمی، صلاح (۱۳۹۴). «برآورد شاخص جرم در ایران به روش فازی: رویکرد اقتصادی». *مجله اقتصاد مقداری*، ۱۰ (۳): ۱۳۹-۱۶۳.

- آیت، علیرضا (۱۳۹۸) «توجیه رسیدگی افتراقی برای جرایم اقتصادی: تهدید جرم یا خطر مرتکب». *مجله پژوهش حقوق کیفری*، ۸ (۲۸): ۱۲-۳۳.

- حبیبی، بهنام (۱۳۹۷). «مفهوم اصل دسترسی به دادگستری، ویژگی و جلوه‌های آن». *مجله مطالعات حقوقی*، ۱۰ (۳): ۶۱-۸۸.

- حدادزاده نیری، محمد رضا؛ حبیب‌زاده، محمدجعفر و فرجی‌ها، محمد (۱۳۹۹). «واکاوی اثربخشی اعدام در جرایم مواد مخدر در پرتو نظریه‌های تحلیل اقتصادی جرم». *مجله پژوهش حقوق کیفری*، ۸ (۳۱): ۱۰۶-۱۳۳.

- حسینی، حسین و غلامی، میثم (۱۴۰۰). «ضرورت یا عدم ضرورت پیش‌بینی اصول و قواعد کلی حقوق کیفری در قوانین جزایی». *مجله فقه و اصول*، ۵۳ (۳): ۴۹-۷۰.

- دادخدایی، لیلا (۱۳۹۳). «مفهوم جرم اقتصادی و تحولات آن». *مجله حقوق*، ۶ (۴): ۶۰-۸۸.

- رضوی‌فرد، بهزاد و قربان زاده، حسین (۱۳۹۵) «حق بر علنی بودن دادرسی به عنوان یکی از حقوق دفاعی متهم در رویه دادگاه های کیفری بین المللی». *مجله مطالعات حقوق تطبیقی*، ۷ (۱): ۱۶۰-۱۸۹.

- زراعت، عباس (۱۳۸۸). *آیین دادرسی کیفری ایران با تکیه بر اصول و قواعد*. تهران: نشر دانش‌پذیر.

- زراعت، عباس (۱۳۹۹). *حقوق کیفری اقتصادی*. چاپ دوم، تهران: نشر جنگل جاودانه.

- ساکی، محمدرضا (۱۳۸۹). *حقوق کیفری اقتصادی*. تهران: نشر جنگل.

یکی از عوامل مؤثر در ارتکاب جرم اقتصادی، وجود انگیزه‌ها و هدف‌هایی است که در ذهن و فکر مجرم اقتصادی وجود دارد. می‌توان به‌طور اطمینان بخشی گفت که مجرم اقتصادی به جهت تأمین نیازهای عاطفی و جنسی، انتقام‌گیری به ارتکاب جرم اقتصادی مبادرت نمی‌ورزد. آن چیزی که بیش از همه باعث این اقدام می‌شود وجود مطلوبیت مالی و اقتصادی جهت ارتکاب چنین جرمی است. از طرفی عدم ترس و و اهمه از دستگیری، محکومیت و تعیین مجازات و اعمال آن، نارسایی نظام دادرسی، متعهدنبودن جامعه به حقوق اقتصادی و اجتماعی خود از دیگر عواملی است که در کنار نوع ساختار اداری و سیاسی کشور باعث ارتکاب بیشتر جرم اقتصادی می‌شود. آنچه درخصوص جرایم اقتصادی مهم و حیاتی است، تعیین دقیق ارکان و خصوصیات این جرایم است تا با استفاده از یک تعریف جامع و مانع بتوان هم شرایط داشتن اقتصادی پویا را فراهم نمود و هم با شناسایی دقیق مجرمین جامعه را در کیفردهی بزهکار یاری کرده و از تبعات خطرناک چنین جرایمی مصون داشت.

ملاحظات اخلاقی: در این پژوهش، تمامی ملاحظات اخلاقی رعایت شده است.

تعارض منافع: نگارش این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهم نویسندگان: در این پژوهش، نویسندگان مشترکاً اقدام نموده‌اند.

تشکر و قدردانی: لازم است از تمامی کسانی که در تدوین این مقاله، ما را یاری رسانده‌اند، قدردانی نماییم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین مالی انجام گرفته است.

منابع و مأخذ

الف. منابع فارسی

- ابراهیمی، شهرام و صادق‌نژاد نایینی، مجید (۱۳۹۲) «تحلیل جرم شناختی جرایم اقتصادی». *مجله پژوهش‌های حقوق کیفری*، ۲ (۵): ۱۴۶-۱۶۱.

- Budima, G (2006). "Can Corruption and Economic Crime be Controlled in Developing Economies, and if so, is the cost worth it?". *Journal of Financial Crime*, 13 (4): 230-256.

- McIntyre, M (2013). "Equality of arms – defining humanrights in the jurispreudence of international criminal tribunal for the former Yugoslavia". *Leiden journal of international law*. 9 (6): 30-56.

- Mungan, C (2016). "Identifying Criminals' Risk Preferences". *Indiana Law Journal*, 91 (3):800-823.

- شعبانی، مهدی؛ حاجی تبار، حسن و اسماعیلی، مهدی (زمستان ۱۳۹۹). «چالش‌های مقابله با جرایم اقتصادی و راهکارها». *مجله مطالعات فقه اقتصادی*، ۲ (۴): ۹۵-۱۱۶.

- طاهری، سمانه (۱۳۹۲). *سیاست کیفری سخت گیرانه*. تهران: نشر میزان.

- قربانی، علی (۱۳۹۰). *دادرسی منصفانه در رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر*. تهران: نشر حقوق امروز.

- کلی، جان (۱۳۸۲). *تاریخ مختصر تئوری حقوق در غرب*. ترجمه محمد راسخ، تهران: نشر طرح نو.

- محسنی، حسن (۱۳۹۶). «اصل دسترسی به عدالت و حق دادخواهی دولت». *مجله مطالعات حقوق خصوصی*، ۴۷ (۳): ۵۴۲-۵۶۹.

- مصطفی پور، منوچهر (۱۳۹۵). «بررسی جرایم اقتصادی در ایران و راهکارهای پیشگیری از آنها». *مجله اقتصادی*، ۱۲: ۸۶-۶۲.

- میرسعیدی، سید منصور و زمانی، محمود (۱۳۹۲). «جرم اقتصادی؛ تعریف یا ضابطه». *مجله پژوهش حقوق کیفری*، ۴ (۲): ۱۶۶-۱۹۰.

- نادعلی جلوخانی، رعنا؛ شکرچی زاده، محسن و عطریان، فرامرز (۱۴۰۱). «مطالعه تطبیقی تدابیر سرکوبگری در قبال اعمال مخل رقابت اقتصادی در سیاست جنایی تقنینی ایران و اتحادیه اروپا». *مجله تحقیقات حقوقی بین‌المللی*، ۱۵ (۵۵): ۲۳۵-۲۵۱.

- هاشمی، حسن (۱۳۹۲). *حق دادرسی منصفانه در شرایط اضطراری در ایران و اسناد بین‌المللی*. تهران: نشر مجد.

ب. منابع انگلیسی

- Bassiouni, M (1994). "Cherif with the Collection of Alfred Dezayas,. The Protection of Human Rights in the Administration of Criminal Justice. A Compendium of United Nations Norms and Sandards". *Transnational Publishers Inc*.